



## در تشویق نیکخواهان به نیکوکاری

به قلم: مرحوم دکتر محمود افشار یزدی

به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

اشاره

در شماره ۶۱ مجله و در مقاله «تأثیر وقف در گسترش و توسعه فیزیکی - کالبدی شهر ری» نوشته دکتر رحمت الله فرهودی و سرکار خانم محبوبه سادات میرشقیعی اشاره ای به موقوفات مرحوم دکتر محمود افشار یزدی شده بود و قدمت این موقوفات ۸۰ تا ۹۰ سال ذکر شده بود.

پس از آن نامه مدیر عامل محترم این بنیاد جناب آقای محمدتقی جنیدی به دفتر مجله رسید که در آن ضمن تصحیح سال تأسیس این موقوفات متن ذیل را که گزیده ای از مقدمه کتاب «پنج وقف نامه» به قلم واقف خیراندیش است ارسال نمودند.

بر آن شدیم تا ضمن درج توضیح دفتر این موقوفات، ضمن تشکر از حسن دقت و توجه مدیریت محترم بنیاد موقوفات مرحوم افشار، به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس آن متن مذکور را به چاپ رسانده تا یاد و تجلیلی از واقف محترم شده باشد. البته در گذشته نیز درباره این موقوفات مقالاتی در همین فصلنامه به چاپ رسیده است.

همه کس می‌تواند با کوشش و کار و میانه‌روی و اقتصاد در زندگی چیزی اندوخته کند تا بتواند بدهی خود را بدهد. آن را که مالی نیست ولی حال و مجالی هست و اهل دانش و کمال است، باید وامی که به کشور و جامعه دارد با معنویات باز دهد. چون دین ما به وطن زیاد و اندوخته‌ها به نسبت آن کم است، چه بسا کسانی معنا و مادتا با هم شوند و امر خیری را سبب گردند.

با بیانی دیگر، همان گونه که شرکت‌ها و بانک‌هایی برای انتفاع و تجارت از سرمایه‌های کوچک و سرمایه‌داران بزرگ و اداره‌کنندگان دانا و مطلع تشکیل می‌یابد، شرکت‌های خیریه و حتی بانک‌های نیکوکاری به صورت موقوفات بنیاد نهاده شود. نخست، برای اینکه واعظ غیر متعظ نباشم، من خود در حدود استطاعت مالی و فکریم موقوفاتی ایجاد کردم و اساس نامه‌ای برای آن تهیه نمودم که درهای مادی و معنوی آن و بنگاه‌های وابسته‌اش به روی همه نیک‌اندیشان و نیکوکاران باز باشد. تا هر کس به هر نحو بخواهد و بتواند طبق مقررات آیین نامه‌های آن شرکت نماید، از قبیل دادن کتاب برای کتاب‌خانه، وسایل آسایش برای خستگان، اسباب بازی و ورزش برای کودکان، و همچنین وجه نقدی برای کمک به منظوره‌های نامبرده در این وقف‌نامه، و چنان اساس محکمی از دستگاه تولیت تا مصرف و حفظ کتب یادگاری به نام نیکوکاران گذاشته شده که از هر جهت موجب اطمینان آنان تواند بود. البته تمام آنچه نیز برای مصرف داده شود به نام دهندگان صرف خواهد شد و دستگاه‌های تولیت این موقوفات بیش از یک عامل خیر و واسطه رایگان برای اجرای نیت پاک نیکوکاران نخواهد بود.

از طرف واقف هم اکنون به متولیان، که آنها نیز جز نظر خیرخواهی محرک دیگری در تشریح مساعی ندارند، سفارش می‌شود که از وجود نیکوکاران بزرگ در تولیت موقوفات به عنوان «عضو مشاور»، «عضو افتخاری» یا «عضو نیکوکار» استفاده بشود، و محترماً به متولیان بعد پیشنهاد می‌کنم تا جایی که ممکن است و صلاح بدانند چنین اشخاص را، با جمع داشتن سایر شرایط لازم مخصوصاً وطن دوستی و دانایی، به جای متولیانی که در اثر فوت یا معذوریت مقام خود را خالی می‌گذارند معین کنند و به جمع خود در آورند تا شرکت آنان با این موقوفات به نحو کاملتری صورت پذیرد و مجمعی از نیکوکاران گرد آید. البته باید دقت هم بشود که با انتخاب و دخالت دادن اشخاص به هر اسم و رسم هیچ‌گاه خللی به ارکان و اساس هدف و منظوره‌های این موقوفات وارد نیاید و منحرف نسازد.

در این موقوفات، یا اگر بخواهیم اسم و اصطلاح دیگری استعمال کنیم، درین شرکت نیکوکاری، اشخاص محترم و دانشمندی که به عنوان متولی شرکت می‌فرمایند هر چند از نظر مادی سهمی نداشته باشند، همان کمک‌های فکری و معنوی آنان بسی ارزش دارد و من ایشان را به تمام معنی شریک کار خود می‌دانم و چنان است که این وقف را با هم نهاده‌ایم. همچنان که



یک شرکت تجارتي را با سرمایه تنها، بی فکر و تدبیر و کوشش مدیران آگاه آن نمی توان گردانید، یک موقوفه با شرکت نیکوکاری هم بدون رأی صائب و نیت پاک و اقدام مجدانه متولیان آن به درستی نخواهد گردید. پس رقبات یک موقوفه به جای جسم و متولیان به منزله روح آنند. با هم بودن ماده روان است که جسمی را به حرکت درمی آورد.

برای اینکه تصور نشود مالی بی حساب از جایی بی نشان به دست آمده و اکنون عنوان وقف بر آن نهاده می شود باید بگویم: در نتیجه سال ها کوشش و زود خورد در میدان اجتماع و رعایت اقتصاد، بلکه قناعت و میانه روی، یعنی گرد تجمل و لوکس نگشتن و خرج بی جان نکردن، که اصولاً مخالف طبیعت من است و آن را خلاف عدالت اجتماعی می دانم، چنان که همه نزدیکان و دوستان در کار و حال من دیده و می دانند، توانسته ام پس اندازی بنمایم و امروز وقف امور عام کنم. خوشوقتی من همین است که برای اجرای ایده آل خود وسایل مادی در دسترسم قرار گرفت و توانستم به معنویات خدمتی بکنم.

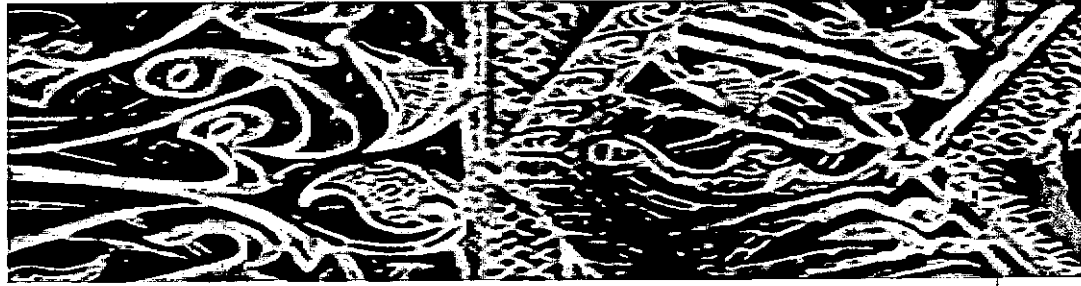
بر این عقیده هستم که متولیان باید در خرج زیاده روی نکنند و اضافه در آمد حتی قسمتی از دارایی را در بانکی و در پرونده ای جداگانه برای صرف در امور خیریه نگاه دارند. توانگران می توانند به منظور بسط عدالت اجتماعی سفره ناز و نعمت شخصی خود را زیاد نگسترند و در زمان حیات زیر نظر سرپرستی و کوشش خود به بهبود حال هموعان پردازند. هم خود در زمان زندگانی از مشاهده کار نیک خود لذت ببرند و هم آثاری که از آنان به جامی ماند، آن دم که از جسم آنها جز مشتی خاک نمانده موجب یاد نیک از آنان به جامی ماند، و سرافرازی خانواده و بازماندگان نسل بعد باشد، و ابقای نسل بعد از نسل را در پرتو نیکوکاری و نیکنامی بخواهند، نه اشخاص هرزه و عیاش چنانکه شاهد های زیادی برای انتباه همه زیاد است. آیا بهتر است که بعد از پنجاه سال بگویند فلان ولگرد نوه و یادگار شما است یا بگویند فلان بنای خیر از آثار شماست. اصلاً اگر مالی نگذارید اولاد و نوه شما هم بی کار می روند و ولگرد نمی شوند و باعث تنگ شما نخواهند بود بلکه از کار نیک شما آنها هم مانند دیگران استفاده و به اضافه افتخار خواهند نمود.

به کزو ماند سرای زرنگار

نام نیکی گر بماند ز آدمی

صاحبان نیت خیر اگر هم در راه نیکوکاری به رنج و زحمت، حتی طعن و لعن و ملامتی از خویش





و بیگانه گرفتار شوند، نباید از میان راه برگردند و از کار نیک پشیمان شوند.

از چشمه آبی که در چمنی می‌گذرد و گلهایی که کنار آن و میان این می‌روید و خشک می‌شود، یا مرغک زیبایی که به عشق گلی در شاخه‌ها جست و خیز می‌کند و ترانه می‌سراید، بی آنکه چمن را پایمال کنید و گلی بچینید و بیفکنید، یا آن مرغک خوش‌نوار را بگیرید و آزار دهید، تنها از تماشای آنها لذت می‌برید. چه گل‌ها در باغچه شما سبز می‌شوند و می‌پژمرد و شما با آب دادن و پیراستن آنها زحمت می‌کشید و به یک دیدن و شاید بوییدن قانع هستید. خدمت کردن به گل‌ها و گاهی دسته بستن و به دوستان هدیه کردن آنها لذت بی‌پایان می‌بخشد، در صورتی که چیدن بی‌دریغ لاله‌ها و غارت و پایمال کردن چمن‌ها، که کاری بس آسان است، لذتی حقیقی ندارد. اگر به دقت بررسی کنیم چنین است مال جهان و حال جهانیان. زحمت می‌کشیم، اندوخته می‌نماییم، خود بهره مستقیم چندان نمی‌بریم، ولی آن دم که به راه خیر می‌دهیم و بر کار نیک وقف می‌نماییم مانند همان دسته‌گلی است که بسته به دوستی عزیز و یاری نازنین تقدیم می‌کنیم و از کار خود لذت روحی می‌بریم، همین است اجرت زحمت ما که بسیار گرانبها است.

نمی‌دانم شما که این سطور را می‌خوانید چه می‌اندیشید، ولی من با کمال صمیمیت می‌گویم که یکی از لذیذترین ساعات زندگی همین اوقات است که بدین کار خیر دست زده‌ام و تنها همین است که از غم‌های من می‌کاهد. همچنان که پرورش گل و هدیه کردن آن به دوستان نیز ساعاتی دیگر از اوقات خوش‌زندگانی بوده و از غم و غصه‌ام کاسته است.

درین زمین و زمانی که زندگانی می‌کنید، با همه در دسرهایی که دارد اگر از مال و منال و آب و زمین خود در راه خیر عامه بکاهید بر طول عمر خود می‌افزاید، و اگر عمر باز یافتی را در معنویات به خدمت جامعه صرف نمایید نیک‌اندر نیک خواهد بود. زحمتی که برای گرد آوردن مال می‌کشند خسته‌کننده است و رنج و غم آن از عمر کم می‌کند. اما لذتی که از بخشیدن در راه خیر می‌برند روانها را شاد می‌نماید و باعث درازی عمر است. پس فاصله زمینی میان خود و مرگ را بکاهید. باشد که بر فاصله زمانی آن بیفزاید. هر قدر در اواخر عمر علاقه مادی کمتر باشد و بار زندگانی سبک‌تر بهتر است و حتی گمان دارم انسان راحت می‌میرد. هر قدر بتوانید در روزگار پیر خود را از مال دنیا فارغ سازید و وقت و همت به خدمت جامعه مصرف نمایید.



اما برای اینکه این بیانات پروانه کاهلی و قلندری و درویش مسلکی، خاصه برای جوانان نگردد باید گفت تا انسان برناست باید کار سود آور بکند و اندوخته بنماید تا به هنگام کهولت، یعنی خزان و زمستان عمر، بتواند از حاصل زحمات، هم خود به آسایش زندگی بکند و هم ایثار نماید و لذت روحانی و روحی ببرد. در کار دو خاصیت است: یکی آنکه جسم و روح انسان را قوی می سازد و دیگر آنکه به مال حلال می رساند. زیرا حقیقت واقع را بخواهید مال خیلی حلال مالی است که حاصل کار و کوشش آدمی باشد نه ارث و دسترنج دیگران. اگر اهل ایمانید توشه آخرت را باید در این دنیا فراهم آورید، اگر مرد دنیا بید امتحان کنید و ببینید چقدر از کار نیک کردن در همین جهان لذت می برید. گویا کسانی که مال خود را زمان حیات به راه خیر داده اند هنگام مردن دیگر چشمشان نگران دنیا نیست. اگر سیلی به شهر درافتد، یا بازاری آتش گیرد، یا کاروانسرای را دزد بزند، آن کس بیشتر نگران است که حیاطی و بساطی دارد. مرگ یکی از همین غارتگران و بزرگترین آنهاست. زیرا چون بر انسان تاختن کند هستی او را یکسره می برد. پس مال خود را در راه نیکوکاری صرف کنید تا هم لذت ببرید هم از نگرانی و اندوه دوران پیری هنگامی که به آسایش کامل نیاز دارید فارغ باشید.

این را هم در خاتمه می افزایم که اگر آنچه را در تشویق نیکخواهان به نیکوکاری نگاشتم یک در هزار اثر بدهد به نظر خودم، از این موقوفاتی که نهاده ام برتر است و امیدوارم که بی اثر هم نباشد و گرنه این همه در دسر فراهم نمی آوردم.

